

## بررسی 5 دلیل از دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه السلام) با ایشان در سفر کربلا

### دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه السلام) در سفر به کربلا چه بود؟

یکی از سؤالات پرتکرار درباره واقعه عاشورا پرسش از دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه السلام) با ایشان در کربلا است. در پاسخ به این سؤال موارد گوناگونی مطرح شده است، که مجموع آنها می‌تواند دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه السلام) با ایشان را در این سفر پر خطر برایمان روشن کند. مطالعه صفحات تاریخ و همچنین بررسی ابعاد گوناگون شخصیت و قیام اباعبدالله (علیه السلام) می‌تواند به ما در سنجش میزان اعتبار و درستی پاسخ‌های مطرح شده کمک کند. در این مقاله به استناد تاریخ و دلایل عقلی 5 دلیل از دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه السلام) با ایشان را به اختصار بیان می‌کنیم و در ادامه به صورت مفصل‌تر این پاسخ‌های را بررسی کرده و در انتها تلاشمان بر این است که درسی عملی از میان این سطور برای خویش بیابیم.

1. حفظ امنیت و جلوگیری از هتک حرمت: بعد از دستور یزید برای بیعت گرفتن از امام حسین (علیه السلام) به هر شیوه‌ای دیگر هیچ مکان امنی برای حضرت وجود نداشت و امام با شناختی که از باطن پلید و خون‌ریز خاندان بنی‌امیه داشتند، صلاح دیدند خانواده خویش را با خود همراه سازند تا از این طریق امنیت آنان را تأمین کنند و مانع هتک حرمتشان شوند.
2. دفاع از امام زمان: با توجه به مقام امامت حضرت اباعبدالله (علیه السلام) این نظر تقویت می‌شود که خاندان ایشان حضرت را به عنوان امام خویش در این سفر همراهی کردند و ارتباط‌های نسبی و سببی در این امر تأثیری نداشته است.
3. ابلاغ پیام: خانواده اباعبدالله (علیه السلام) وظیفه خطیر پیام‌رسانی قیام عظیم ایشان را به عهده داشتند. آنها با حضور و سخنان خویش توانستند، ابعاد گوناگون این حق‌طلبی را روشن کنند و مانع پایمال شدن خون امام حسین (علیه السلام) و

یارانشان شوند. به جرئت می‌توان گفت در صورتی که خانواده‌ی امام حسین (علیه‌السلام) همراه ایشان نبودند، تاریخ نگاران وابسته به دستگاه حکومت بنی‌امیه با دخل و تصرف این حادثه‌ی عظیم را به گونه‌ای دیگر بیان می‌کردند.

4. رضا و مشیت الهی: امام حسین (علیه‌السلام) در پاسخ به برخی اصحاب که ایشان را از رفتن به سوی کوفه و همراه بردن خانواده منع می‌کردند، مصلحت الهی را دلیل انجام این کار معرفی نمودند. شهادت و اسارت همان مصلحتی بود که حضرت به آن اشاره داشتند.

5. دلایل متفرقه: تأسی از حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در روز مباحله، ثابت کردن این نکته که قصد شروع جنگ را ندارند و دلایلی دیگر از این قبیل که به آنها نیز خواهیم پرداخت.

## 1. حفظ امنیت و جلوگیری از هتک حرمت خانواده اولین دلیل از دلایل همراهی خانواده امام

حسین (علیه‌السلام)

بعد از آنکه یزید به والی مدینه دستور داد، به هر طریقی که می‌تواند از امام بیعت بگیرد، حضرت این شهر را ناامن دیدند و راهی مکه شدند. در مدینه هیچ خانه‌ی امنی وجود نداشت که امام اهل خویش را به آن‌ها بسپارند. البته این ناامنی تنها ویژه‌ی مدینه نبود و هیچ نقطه‌ی امن دیگری نیز برای ایشان وجود نداشت. این عدم امنیت امام را بر آن داشت که خانواده‌ی خویش را با خود همراه سازند.

با مطالعه‌ی سلوک خاندان اموی و به ویژه شخص یزید می‌توان دریافت اصلاً بعید نبود، که آنان موجبات هتک حرمت خانواده‌ی حضرت را فراهم آورند و این بزرگواران را به گروگان بگیرند و در نتیجه اسارت آن‌ها و حوادث ناگوار در پی آن امام حسین (علیه‌السلام) را از جهاد و شهادت بازدارد.

ممکن است این سؤال پیش بیاید که در ادامه‌ی واقعه‌ی عاشورا نیز این خانواده به اسارت درآمدند؛ اما نکته‌ی قابل توجه این است که این دو نوع اسارت بسیار با هم تفاوت داشتند. در اسارت نوع اول هیچ‌کدام از خواسته‌ها و اهداف امام تحقق نمی‌یافت؛ اما نوع دوم اسارت کارکردهایی داشت که می‌توان از آن به عنوان یکی از دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه‌السلام) با ایشان یاد کرد.

علاوه بر این مردم مدینه پس از اینکه متوجه شدند امام با یزید بیعت نکرده‌اند، حضور امام و خانواده ایشان را برای خود خطرناک می‌دانستند و خود این مردم و بزرگان‌شان به امام توصیه کردند که از مدینه خارج شوند. این توصیه را نمی‌توان تنها به عنوان مصلحت اندیشی برای امام در نظر گرفت، زیرا اگر مصلحت امام برای مردم مدینه اهمیت داشت، خود در کنار ایشان قیام می‌کردند؛ بلکه این توصیه‌ای بود برای حفظ امنیت و آرامش مدینه. در نتیجه مردم مدینه با حضور خانواده امام که می‌توانست این امنیت را بر هم بزند نیز مخالف بودند.

## **2. دفاع از امام زمان دومین دلیل از دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه‌السلام)**

امام حسین (علیه‌السلام) با وجود اینکه می‌دانستند چه سرنوشتی در انتظارشان است، حاضر نشدند با یزید بیعت کنند. حضرت وظیفه خود می‌دانستند علیه حکومت ظالم و فاسد یزید قیام کنند، نفاق و فسق آن را علنی نمایند و اسلام ناب را که دیگر چیزی از حقیقتش باقی نمانده بود، دوباره به مردم معرفی کنند. در چنین شرایطی وظیفه هر رهرویی است که امام خویش را همراهی و از او دفاع نماید؛ بنابراین اگر به این بعد از ماجرا توجه کنیم، درمی‌یابیم که خانواده و خویشان اباعبدالله (علیه‌السلام) در این سفر ایشان را نه به عنوان عضوی از خانواده خود، بلکه به عنوان امام خویش همراهی کردند و با همراهی خود به ما درس ولایتمداری دادند. پس می‌توانیم بگوییم یکی از مهم‌ترین دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه‌السلام) با ایشان دلیل و انتخاب شخصی این بزرگواران به عنوان مسلمان شیعه بود که حاضر نبودند امام خود را تنها رها کنند.

## **3. ابلاغ پیام سومین دلیل از دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه‌السلام)**

امروزه همه ما به اهمیت تبلیغ و نقش آن در تبیین اهداف و رساندن پیام‌های یک حرکت به گوش همگان واقف هستیم. اگر هدف‌های خوبی برای یک حرکت طراحی شود و تمام مراحلش نیز به بهترین وجه ممکن پیش برود، اما حرکت از چشم و گوش دیگران پنهان بماند، مانند این است که اصلاً کاری انجام نشده است. قیام امام حسین (علیه‌السلام) یک حرکت بسیار مهم

با اهدافی والا بود که برای اثرگذاری بیشتر نیاز به تبلیغ‌کنندگانی داشت که در اوج فصاحت و بلاغت پیام‌های آن را به گوش همه برسانند.

یزید با هدف استحکام بخشیدن به جایگاه و حکومت پوشالی خود به دنبال این بود که تمام مخالفان خویش را به هر نحوی از میان بردارد. او گمان می‌کرد با به شهادت رساندن امام و یارانشان و اسارت گرفتن خانوادهٔ ایشان همه چیز پایان می‌یابد و می‌تواند تمام اعتراض‌ها علیه خود را در نطفه خفه کند؛ اما از این نکته غافل بود که این بزرگواران با شهادت و اسارت خویش هم می‌توانند خواب آرام را از چشم دشمن برابیند.

شهادت و اسارت دو بعد مهم وقایع عاشورا و هر کدام دارای کارکردهای خاص خود هستند. اسارت خانوادهٔ اباعبدالله (علیه‌السلام) با وجود ظاهر غم‌انگیزش برکات فراوانی در پی داشت. آن‌ها پیام‌رسان این واقعه با تمام جزئیات حقیقی‌اش بودند و با روشنگری‌ها و خطبه‌های بی‌نظیر خود ماهیت و چهرهٔ خشن، ستمگر و فاسد رژیم حاکم را به همهٔ آنانی که سال‌ها در غفلت و به دور از حقایق اسلام ناب بودند، نمایانند.

این تلاش‌ها و روشنگری‌ها تمام تبلیغات دروغین بنی‌امیه علیه خاندان نبی‌اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را بی‌اثر ساخت و زمینه‌ساز فعالیت‌های انتقام‌جویانهٔ پس از قیام عاشورا و در نهایت سرنگونی نظام حاکم شد. در واقع اسارت خانواده سیدالشهداء به عنوان راستگوترین افرادی که واقعه را به چشم دیده بودند، گرچه دلیل اولیة حضور ایشان نبود، اما به یکی از مهم‌ترین نقاط قوت قیام امام حسین (علیه‌السلام) تبدیل شد. تا جایی که می‌توان آن را در زمرهٔ پیش‌بینی‌های صحیح امام و حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) دانست و از دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه‌السلام) در این قیام در نظر گرفت.

#### 4. عرف جامعه یا پذیرش مصلحت الهی؟

برخی در پاسخ به سؤال دربارهٔ دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه‌السلام) با ایشان که شامل زنان و کودکان می‌شود، گفته‌اند که اعراب رسم داشته‌اند، در جنگ‌ها اهل و عیال را با خود همراه نمایند؛ با فرض پذیرش چنین توجیهی آیا می‌توانیم این امر را هم بپذیریم که امام حسین (علیه‌السلام) فردی بوده‌اند که برای انجام اموراتشان عرف جامعه و قوم خود را مبنا قرار می‌دادند؟

مرور سیره اهل بیت (علیهم السلام) ثابت می‌کند، این بزرگواران همواره در انجام امور خود به رضا و مشیت الهی توجه داشتند. با توجه به این حقیقت عرف جامعه نمی‌تواند دلیل همراهی خانواده با امام حسین (علیه السلام) باشد و باید به دنبال کشف این مشیت و مصلحت باشیم.

مطالعهٔ مرادفات امام با اطرافیانسان پیش از حرکت به سوی کوفه و کربلا پرده از این راز برمی‌دارد. برخی افراد به امام پیشنهاد دادند، به جای کوفه به سوی مکان‌هایی دیگر از جمله یمن سفر کنند؛ زیرا به گمان خویش یمن را امن‌تر و اهل یمن را شیعیان وفادارتری نسبت به کوفیان می‌دانستند، ولی امام این پیشنهاد را نپذیرفتند.

پس از اصرارهای فراوان اصحاب برای منصرف کردن حضرت از سفری که در ظاهر سود و مصلحتی در پی نداشت، ایشان به رؤیایی از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اشاره کرده<sup>1</sup> و فرمودند با کمال اختیار راهی را انتخاب می‌کنند که مشیت و رضای الهی در آن است؛ این راه چیزی جز شهادت امام و اسارت بازماندگانشان نبود. با این توضیحات شاید بتوانیم یکی از مهم‌ترین دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه السلام) با ایشان را «پذیرش مصلحت الهی» بدانیم. ذکر این نکته ضروری است که در دل مشیت و مصلحت‌های الهی رشد و کمالی نهفته است که با حرکت در این مسیر می‌توان به آن دست یافت. امام حسین (علیه السلام) نیز با تمام قلب خویش به این کمال واقف بودند و بدین جهت با رضایت و اختیار تام به سوی آن حرکت کردند.

## 5. بررسی دلایل متفرقه همراهی خانواده امام حسین (علیه السلام) با ایشان

برخی موارد دیگر به عنوان دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه السلام) با ایشان ذکر شده‌اند که علاقمندان می‌توانند با مراجعه به کتب تاریخی و تحقیقی، صحت آن‌ها را بررسی نمایند. این موارد عبارتند از:

- تأسی از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز مباحله که ایشان نیز خانواده را با خود همراه بردند.
- هدف امام حسین (علیه السلام) از همراه کردن خانواده با خود این بود که ثابت نمایند قصد جنگ ندارند.
- در راه مبارزه با یزید و دفاع از حق ممکن بود جان، مال و ناموس کوفیان به خطر بیفتد؛ امام در این سفر با همراه کردن خانوادهٔ خویش به آنان ثابت کردند، که خود در ابتدای صف تحمل سختی‌ها و شداوند و در میانهٔ عرصهٔ نبرد ایستاده‌اند.

<sup>1</sup> سید بن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۲۸

برخی دلایل ضعیف نیز در پاسخ به سؤال مطرح شده وجود دارد که به یک نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم. عده‌ای از افراد گمان می‌کنند امام حسین (علیه‌السلام) با خانواده خویش رهسپار سفر به سوی کربلا شدند تا با استفاده از حضور زنان و کودکان و ایجاد ترحم، هم بتوانند عده بیشتری یار برای سپاه خویش جمع نمایند و هم دل دشمنان را نرم کنند. اگر شناخت ما از امام حسین (علیه‌السلام) کامل باشد، هرگز این توجیه را نمی‌پذیریم؛ زیرا امام کسی نبودند که به هر ترتیبی شمار سپاهیان خویش را بیفزایند. ماجرای سخنان حضرت در شب عاشورا و اتمام حجت با افراد برای ماندن یا رفتن، این حقیقت را ثابت می‌کند. امام جامعه وظیفه دارد راه درست را به دیگران بنمایاند، اما در پیوستن آنان به جبهه حق الزام و اجباری ایجاد نمی‌کند. اباعبدالله (علیه‌السلام) از فرصت حضور خود در مکه و بودن میان زائرانی که از سراسر سرزمین‌های اسلامی به آنجا آمده بودند، جهت تبیین حقایق استفاده کردند. اگر گوش شنوایی برای سخنان حق وجود داشت، همین زائران برای این امر کافی بودند؛ بنابراین شاید بتوان گفت امام از فرصت امن محدودی که در مکه ایجاد شده بود، استفاده کردند و خانواده را با خود همراه نمودند که آنان نیز در امنیت باشند؛ اما اینکه از آنان برای جلب ترحم و افزودن یار استفاده نموده باشند را نمی‌توان از دلایل همراهی خانواده امام حسین (علیه‌السلام) با ایشان در نظر گرفت.

### نقش درس‌های عاشورا در یاری حسین زمان

یکی از درس‌های ارزشمند قیام امام حسین (علیه‌السلام) برای ما این است که در راه دفاع از حق و احیای دین همه به یک اندازه سهیم و موظفیم. در این راستا حتی ممکن است خطرهایی مانند اسارت و از دست دادن جان هم وجود داشته باشد. جهادگران عرصه دفاع مقدس به خوبی در عمل ثابت کردند، که درس فداکاری و دفاع از حق را از امام حسین (علیه‌السلام) فراگرفته‌اند. اگر ادعای حسینی بودن داریم، باید خود را در این زمینه محک بزنییم تا بدانیم ادعای ما چه قدر صحت دارد. در واقعه عاشورا حضور زنان و کودکان در کنار مردان به ما ثابت کرد با هر جنسیت و در هر سن و سالی که باشیم، نقشی برای ما در دفاع از حق، حق‌گویی و یاری امام زمانمان وجود دارد و فقط کافی است آن را تشخیص دهیم. مطالعه قیام حسین سال 61 باید ما را به سوی یاری حسین زمان - حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) - بکشاند. همه ما از هر جنسیت و با هر سن و سالی باید به دنبال

یافتن نقش خود در جورچین آخرالزمان باشیم و با مواردی مانند خون، قلم، کلام، قدم و مال به یاری امام خویش بشتابیم و با همدلی و وفاداری، به استقرار هرچه سریع‌تر دولت کریمه حضرت کمک کنیم.

آیا شما تجربه‌ای دارید که در آن خود یا دیگران، آموزه‌های عاشورا را در عمل پیاده کرده باشید؟ آن را برای ما بنویسید.